اسم کتاب: تحفة الابرار — فارسی

مصنف / مؤلف: سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی بیدآبادی

خطی: نسخ ۲۲ سطری

چاپی:

سال چاپ یا تحریر: - — عدد اوراق: ۳۷۷

جزء کتب: فقه — شماره:

شماره عمومی: ۷۴۸۴ — شماره قبض:

واقف: خریداری — تاریخ وقف: مهر ۱۳۲۹

طول: ۲۰ — عرض: ۱۴ — گنجه:

امانت لاملا محمد حسین کتاب
سنه ...

تحفة

این کتاب تحفة الابرار از ملک عبد العلی
خلف الصدق الحاج محمد حسین ابن المرحوم
حاجی احمد ابن المرحوم حاجی محمد باقر ابن المرحوم
میر علی تونی رحمة الله علیه

اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات

~~حیهم و میتهم جمیعا~~

اللهم صل علی محمد وآل محمد

اللهم صل علی ...
الدوام السید الکامل ...
...

... ۱۳۱۸ ... ۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم وبه الاستعانة في الخلاص من آلام الجحيم

الحمد لله الذي توحد بالملك فلا ند له في ملكوت سلطانه وتفرد بالعزة فلا ضد له في جبروت كبريائه وحارت الاذهان الثاقبة في مبدأ عظمته وقدرته وانحسرت الابصار الخاطفة في بدايع صنعه وغرايب فطرته، واشهد ان لا اله الا الله شهادة تذعن باحديته وواحديته واومن به وبجميع رسله وسفرائه وملائكته واشهد ان جدي محمدا صلى الله عليه واله سيد رسله ومفخر انبيائه وباعث خلقة ارضه وسمائه، وان علي بن ابي طالب والائمة الاحد عشر من ولده عليهم الاف التحية حججه الكاملة على عباده وان من اعتصم بهم واهتدى بهديهم فقد هيا نفسه للفوز برضوانه، ومن فارقهم وضل عن سبيلهم فقد مكن نفسه في دركات نيرانه؛ بعد خادم شريعت فخر انبيا وسيد رسل وجاكر درگاه ملجا اوليا وهادي سبل ابن محمد تقي الموسوي محمد باقر اوتي كتابهما بيمينهما وحوسبا حسابا يسيرا بعرض برادران ديني واخلاء ايماني ميرساند كه اين كتابيست در بيان صلوة واحكام آن مسمى بتحفة الابرار الملتقط من آثار الائمة الاطهار تنوير قلوب الاخيار ومرتب كردانيديم آنرا بمقدمه وچند باب هر يك از ابواب مشتمل است بر مباحث بسياد مقدمه در بيان فضيلت صلوة وجمله از مباحث مهمه مطلوب بر در اين مقام است بدانكه نظر بمضمون حق مشحون كريمه وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون غرض از ايجاد وجود بني آدم در بوستان سراي اين وادي پر محن والم نشده مكر بجهة تحصيل معرفت وعبادت جناب احديت عز شانه و بمقتضاي مفهوم حديث حق مقرون الدنيا مزرعة الاخرة مراد از اين سراي سريع الزوال نشده مكر بجهت محل زرع دار القرار مراد از محل زرع آنست كه انسان در آن مرتكب اعمالي شود كه موجب رفع درجات و باعث استحقاق بموايد وعطاياي جليله حضرت منعم بي زوال شود در دار قرار وچونكه عمده فايده ومره اساسي از ايجاد چنين اعمالي كه ارتكاب آن موجب نجات از دار جنان

وباعث

وباعث فوز بعطاياي حضرت رحمن شود قاصر است لهذا خلاق جهان آفرين جلت عظمته نظر بكمال رافت وعطوفت بمخلوقين بتوسط انبيا ورسل مقربين هدايت وارشاد عباد نموده اعمالي را كه موجب فوز بدار قرار وباعث استحقاق توصل بنعم بي زوال است مثل صلوة وصوم وزكوة وخمس وحج وعمرة وغيرها امر بارتكاب آنها فرموده بعضي را در مدة عمر يك مرتبه وبعضي را در هر سالي يك مرتبه وبعضي را در هر شب وروزي پنج دفعه تا بارتكاب آن اعمال حسنه سعادت انتظام بنده ذليل فايز شود بعطاياي جليله خداوند جليل تا در اوان عرض اكبر از خسارت وندامت بي حاصلي سالم واز شامت وملالت بي توشگي وتهيدستي غانم واز مفاسد پر شر وشور ميدان كثير الفضاي صحراي محشر محفوظ واز موايد موايد عطاياي بي منتهاي حضرت كريم وهاب على الاطلاق محظوظ گردد مخفي نماند اعمال مذكوره با اشتراك در اصل رجحان ومحبوبيت متفاوت المراتب مي باشند در فضيلت لكن اشرف از همه وافضل از كل نماز است كه فوق كل طاعات بدنية وسعادات وسر مايه افتخار قاطبه قربات وموجب استخلاص از دركات نيران وباعث استحقاق نعم جنان وداعي قبول ساير اعمال است چنانچه از اركان دين ومنابع حضرت رب العالمين ماثور است اذا قبلت قبل ما سواها واذا ردت رد ما سواها وفي الخبر عن مولانا الصادق عليه السلام اول ما يحاسب به العبد الصلوة فاذا قبلت قبل ساير عمله واذا ردت عليه رد عليه ساير عمله حاصل معني ظاهر اين كلام حقيقت انجام اين است كه در موقف حساب از جانب مواخذ ومحاسب حقيقي اول كلاميكه در مقام حساب صادر ميشود سوال از حال نماز بنده است پس اگر نماز شخص مقبول شد مقبوليت آن موجب مقبوليت ساير اعمال ميشود گويا مراد اين باشد كه بعد از مقبوليت نماز ديگر سوال از ساير اعمال نميشود وببركت نماز مقبول كل اعمال مقبول ميشود واگر العياذ بالله سبحانه نماز اين شخص مردود درگاه احديت جل شانه شد قاطبه طاعات واعمال او مردود ميشود يعني ثمري بر آنها مترتب نميشود بدانكه اشكالي در ظاهر اين حديث مي توان نمود بيان آن اين است كه از جمله واجبات الهيه زكوة وخمس وصوم ونحو آنها است هر گاه فرض شود مكلف رعايت نمود هر يك از آنها را بنحوي كه در شريعت مقرر ثابت است

بسم الله الرحمن الرحیم

در بیان احکام شك وسهو است در این دو مقام است مقام اول در احکام شکست بدانکه شك عبارة است از تردد ذهن در میان دو احتمال متقابل بنحویکه رجحان از برای احد طرفین بر دیگری نبوده باشد پس هرگاه بعد از رجوع بوجدان احد طرفین راجح بوده باشد بر طرف دیگر خواه ابتدا یا بعد از تامل در قرائن طرف راجح ظن است وطرف مرجوح وهم مثلا بعد از آنکه مقداری از شب منقضی شد کسی بخاطرش میرسد که بر بیند نصف شب منقضی شده یا نه گاه هست احتمال انقضای نصف شب نزد او غیر محتمل است این را قطع و علم میگویند این در وقتیست که قلیلی از شب منقضی شده باشد وگاه هست احتمال انقضای نصف شب نزد او محتمل است لیکن این احتمال بعد از رجوع بوجدان ضعیف است واحتمال راجح این است که منقضی نشده باشد این احتمال راجح را ظن وطرف مرجوح را وهم میگویند این در صورتیست که قدر معتنابه از شب گذشته باشد وگاه هست که تامل مینماید احتمال انقضای نصف شب وعدم آن نزد او متساویست پس ذهن متردد میشود مابین انقضای نصف شب وعدم آن این تردد ذهن میان این دو احتمال متقابل را شك گویند بعد از آنکه این مطلب مشخص شد میگوئیم در این جا دو مطلب است مطلب اول در احکام شك است بدانکه شك یا در شرط صلوة است یا در اجزای صلوة است یا در نفس صلوة است پس تنقیح مقام مقتضی ایراد کلام است در سه مبحث مبحث اول در حکم شك در شرط نماز است مثل شك در وضوء مثلا میگوئیم این شك یا قبل از شروع در نماز است یا در اثنای نماز است یا بعد از فراغ از نماز اگر قبل از شروع در نماز است لازم است اتیان بمشکوك فیه نماید اتیان نماز

شك در شرائط قبل از شروع وبعد وفات